وسيلة الخادم الى المخدوم

در شرح صلوات

چهارده معصوم علیهم السلام

فضل الله بن روز بهان

بسم الله الرحمن الرحیم

وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم علیهم السلام قسمت مربوط به امام صادق علیه السلام

نویسنده:

فضل‌الله‌بن روزبهان خنجی‌اصفهانی

ناشر چاپی:

انصاریان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم علیهم السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : فضل‌الله‌بن روزبهان، ۸۶۰؟ - ۹۲۵؟ق

عنوان قراردادی : [وسیله الخادم الی المخدوم (اردو)]

عنوان و نام پدیدآور : وسیله الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم/ مولف فضل‌الله‌بن روزبهان خنجی اصفهانی؛ مترجم نثاراحمد زین‌پوری؛ به کوشش رسول جعفریان

مشخصات نشر : قم: موسسه انصاریان، ۱۴۱۷ق. = ۱۳۷۵.

مشخصات ظاهری : ۳۲۷ ص.

شابک : چاپ دوم: ۲-۱۵۱-۲۱۹-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : اردو

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۹(فیپا).

یادداشت : عنوان دیگر: چهارده معصوم ص.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۰ - ۱۸؛ همچنین به‌صورت زیرنویس

عنوان دیگر : چهارده معصوم ص.

عنوان دیگر : در شرح صلوات چهارده معصوم

عنوان دیگر : وسیله الخادم الی المخدوم. اردو

موضوع : صلوات

موضوع : چهارده معصوم

شناسه افزوده : زین‌پور، نثاراحمد، مترجم

شناسه افزوده : جعفریان، رسول، ۱۳۴۳ - ، مصحح

رده بندی کنگره : BP۲۶۶/ف۵۶و۵۰۴۶ ۱۳۷۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷

شماره کتابشناسی ملی : م۷۶-۵۶۱۲

در صلوات بر حضرت امام جعفر صادق

اللهم صل و سلم علی الامام السادس و درود و صلوات ده و سلام فرست بر ششم امام. از این جا شروع در صلوات است «بر حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام». [۱] بعد از پدر خود امام محمدباقر علیه‌السلام امام شده و برادر بزرگ آن حضرت، بعد از امام محمدباقر علیه‌السلام دعوی امامت می‌کرده و مردم را به متابعت خود دعوت می‌نموده. یک روز امام جعفر در خانه خود آتشی روشن کرده و کسی را فرستاده نزد برادر او را طلب نموده؛ چون برادر آمده آن حضرت سخنی می‌فرموده و بسیاری از اکابر شیعه حاضر بوده‌اند. آن حضرت برادر را نشانیده و خود برخاسته و در میان آتش در رفته، و ساعتی در آنجا نشسته و سخن فرموده و ارشاد و نصیحت کرده و اصلا آتش در او اثر نکرده و هیچ جامه و رخت او نسوخته؛ چه جای آن که در بدن مبارک او اثر کند.

بعـد از آن بیرون فرمـوده و بـا برادر گفته: برخیز و همچـو من در آتش نشـین، اگر راست می‌گوئی «که وصـی پـدر خودی منصـب امامت یافته‌ای» [۲] ! برادر چـون حـال دیـده برخاسـته و ردا بر زمین کشـیده و بیرون رفته و بعـد از آن ترک دعوی امـامت کرده؛ [صفحه ۱۹۶] و امامت حضـرت امام جعفر بر همگان ظاهر شـده. المقرب السابق المؤدب الموافق [۳] . آن حضرت نزدیک گردانیده شده‌ی به حضـرت حق سـبحانه و تعالی است و سابق است در اعمال صالحه. و این اشارت است بدان که آن حضـرت از مقربان حق تعـالی و از سابقـان است. و آن حضـرت تأدیب کرده شـده به آداب الهی است. چنانچه حضـرت پیغمبر صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود که، أدبنی ربی فـأحسن تأديبي؛ [۴] یعنی تـادیب من و تعلیم آداب من حـق تعـالی فرمـوده، پس نیکو تعلیم فرموده مرا؛ و این اشارت است بدان که ادب ائمه کرام از تأدیبات و تعلیمات الهی است و آن حضـرت موافق است با حضـرت پیغمبر صـلی الله علیه و آلـه و سـلم در اخلاـق حمیـده و اعمـال پسـندیده. ایـن اشـارت اسـت به متـابعت سـنت و طریقه که آن حضـرت را بـوده. و المغیث للملهوفین عنـد الطوارق و آن حضـرت فریاد رسـنده و یاری کننده‌ی ضـعیفان و عاجزان است نزد حوادث و بلیات که بر ایشان نازل شـود. و این اشـارت است به رحم و عطوفت آن حضـرت بر عـاجزان؛ چنـانچه روایت کرده‌انـد که هر کس را حـادثه یـا فقری پیش آمـدی در مـدینه، پنـاه به جوار لطف و احسان آن حضـرت نمودی و از خوان نوال و افضال آن حضـرت بهره‌ی وافی یافتی؛ چنانچه شیوه‌ی کریمه‌ی اهل‌البیت بوده علیهم‌السـلام. الملتجی بحرز الله عنـد نزول کل طارق و آن حضـرت التجا برنده است به حرز و حفظ الله تعالی نزد فرود آمدن هر بلایی [۵] که در آید. و این اشارت است بدان که آن حضرت در واقعه‌ی قصد ابوجعفر دوانیقی، پناه به حرز [صفحه ۱۹۷] الهی برد، و بر آن دشمن غدار که قصد آن حضرت کرده بود غالب و فائق آمد؛ چنانچه روایت کرده‌اند از ربیع کـه حـاجب ابـوجعفر منصـور دوانیقی عباسـی بـود کـه او گفت: روزی منصـور دوانیقی «صـباح برخـاست و در غـایت قهر غضب و شرارت نفس بود و منصور دوانیقی» [۶] پادشاهی بسـیار قهار بی‌زنهار متسلط جبار بوده و نزد او بعضی مفسدان افساد کرده بوده‌اند که حضـرت امام جعفرصادق علیه‌السـلام می‌خواهد که بر تو خروج کند و مردم عراق با او موافق‌اند. ربیع گفت: صـباح آن شب که این افسـاد کرده بودنـد، چون بر مسـند نشـست با من گفت: برو و جعفر بن محمـد را حاضـر گردان؛ خـدای بکشـد مرا که من او را نکشم، من بسـیار حضـرت امام را دوست می‌داشـتم و سـخت انـدیشه افتادم که مبادا از شـر آن ظالم غیشوم آن حضـرت را مضـرتی برسد. بیرون رفتم و به خدمت حضـرت امام آمدم و آن شـرح باز گفتم و با آن حضـرت گفتم: من سـخت بر تو می‌ترسم از شر این ظالم که او چنین سوگنـدی خورده و قصـد تو دارد و نـدانم که تو چگونه از او خلاص شوی. آن حضـرت فرمود: هیچ اندیشه مکن که خـدای تعـالی مرا از شـر او نگـاه دارد و مضـرت او ان شـاء الله به من نرسـد. پس برخـاست و همراه من متوجه‌ی خانه‌ی ابوجعفر دوانیقی شـد. چون به در خانه مقابل او رسـید، دیـدم که لبهای مبارک او می‌جنبید و چیزی می‌خواند. چون دوانیقی آن حضـرت را بدید رنگ روی او زرد شده و ترسان و لرزان برخاست و آن حضرت را استقبال کرد و با آن حضرت معانقه نمود و نهایت تعظیم و توقیر به جای آورد و چون آن حضـرت بنشست؛ گفت: خوش آمد ابوعبدالله! بریء الساحه از آن چه نیست بدو می کنند. بعد از آن فرمود که طشتی از بوی خوش حاضـر کردنـد و غالیه [۷] و عبیر از آن طشت برمی‌داشت و بر او و محاسن حضـرت امام علیه‌السـلام می‌مالید تا تمامی محاسن آن حضـرت را در بوی خوش گرفت [۸] بعد از آن گفت: چه حاجت داری ای [صـفحه ۱۹۸] ابوعبدالله! حضـرت امام فرمود: حاجت من آن است که دیگر مرا طلب نکنی. گفت: چنین کنم و هر چه مراد و حاجت تو باشد آن را بر آورم، برخیز و به سلامت به خانه‌ی خود باز گرد. حضرت امام برخواست و بیرون رفت. فرمود: [۹] ابوجعفر جامه‌ی خواب طلب کرد و در آن رفت و چنـدان خواب کرد که چهار نماز از او فوت شـد. بعـد از آن بیدار شد و با من گفت: ای ربیع! آب بیار تا طهارت کنم و نماز بگذارم و بعد از آن حکایت حال خود با تو باز گویم. من برخاستم و آب آوردم و وضو ساخت نمازها را قضا کرد؛ بعد از آن گفت: چون جعفر بن محمد در آمده من عزم جزم کرده بودم که فی الحال او را ببینم به قتل آورم. دیدم که بر سر دوش او اژدهای به غایت بزرگ مهیب که آتش از دهن او بیرون می‌آمـد دهن گشاده بود گفت با من: اگر قصـد او کنی تو را با تمام خانه فرو برم.

من از مهابت آن حال بیهوش خواستم شدن، او را در بغل گرفتم و تعظیم کردم و باز گردانیدم و خود بیهوش افتادم تا امروز دیگر با او مرا هیچ کاری نیست. ربیع گفت: من چون این شنیدم به خدمت حضرت امام علیه‌السلام آمدم و این حکایت باز گفتم و گفتم نفس من فدای تو باد؛ آن زمان که در آمدی چه چیز می‌خواندی که خدای تعالی تو را از شر او نگاه داشت، و حرز مشهور آن حضرت که مشهور است به حرز امام جعفر بر من املا فرمود و آن حرزی است مشهور و اول او این است: ماشاء الله توجها الی الله، «ماشاء الله تقربا الی الله» [۱۰] ماشاء الله تلطفا الی الله، ماشاء الله لا حول و لا قوهٔ الا بالله و بحمدالله تعالی این فقیر ضعیف آن را یاد دارم و از اوراد فقیر است که سالها است که بدان مواظب می‌نمایم و تمام عمر در پناه آن حرز بحمدالله و حوله و قوته از شر اعدا مصون و محروسم ان‌شاء الله تعالی. و چون آن حرز بسیار مشهور است و طولی دارد در این مقام مذکور نشد؛ ان‌شاء الله هر کس که بدان مواظبت نماید [صفحه ۱۹۹] یقین که از شر «آفات» [۱۱] انس و جن، در پناه حق تعالی خواهد بود. الذی بین الحق و الباطل فارق آن حضرت، آن کسی است که میان حق و راستی و باطل و دروغ فرق کننده است. و این اشارت است بدان که در اصول و فروع دین آن حضرت فرق میان حق و باطل فرموده و قواعد ملت و مذهب را بر حق [و] راستی نهاده و باطل را از صحایف دین پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم محو فرموده چنان چه از آثار معارف آن حضرت ظاهر است. حجهٔ الله القائمهٔ علی کل زندیق و منافق و آن حضرت حجت و برهان حق تعالی است «که قائم شده بر هر ملحدی که نفی صانع کند و بر هر منافق. و این اشارت است بدان حجت» [۱۲] و برهان در اثبات صانع و توحید که آن حضرت اقامت فرموده؛ چنان چه روایت کرده که در زمان آن حضرت، زندیقان و ملحدان که نفی وجود صانع عالم می‌کنند بسیار پیدا شده بودند و در نفی صانع مبالغات می‌کردند و نزد آن حضرت می‌رفتند و حجت جویی می‌کردند و آن حضرت حجت‌های غریب در غایت احکام و برهان‌های بدیع در نهایت اتقاق [۱۳] بر اثبات صانع قدیم می‌کرده و ایشان را الزام می‌فرموده و به دین اسلام در می‌آورده؛ و ما بعضی از آن را یاد کنیم: روایت کرده‌اند که یکی از زندیقان در مجلس آن حضرت به او فرمود: تو چه پیشه و حرفت داری؟ گفت من تاجرم. گفت هرگز به دریا نشسته [ای] «در کشتی»؟ [۱۴] گفت: بلی؛ گفت: هرگز طوفان دیده؟ گفت: بلی، در بعضی اوقات بادهای سخت آمد و کشتی بشکست و ملاحان تمامی غرق شدند من لوحی از کشتی در دست گرفتم، آن لوح هم از دست من برفت و در میان تلاطم امواج افتادم، ناگاه به ساحل رسیدم و نجات یافتم. حضرت امام فرمود که، چون به دریا می‌نشستی اعتماد تو بر کشتی [صفحه ۲۰۰] و ملاحان بود؛ چون کشتی بشکست ملاحان هلاک شدند اعتماد بدان لوح داشتی، چون لوح از دست تو بیرون رفت با من راست بگوی! آیا نفس را به هلاک تسلیم کردی یا نفس تو را امید خلاصی و نجات بود؟ زندیق گفت: بلی در نفس من امید نجات بود. [امام] فرمود: امید نجات به چه کسی داشتی؟ زندیق ساکت «و حیران» [۱۵] شد! فرمود: آن کس [۱۶] صانع عالم و خدای تست که در آن وقت بدو امید داشتی و تو را از غرق نجات فرمود و به سلامت به ساحل رسانید. زندیق اعتراف به وجود صانع کرد و به اسلام در آمد. و این دلیل را آن حضرت از قرآن فرا گرفته آنجا می‌فرماید «فاذا رکبوا فی الفلک دعوا الله مخلصین له الدین» [۱۷] الایهٔ و این دلیلی است در غایت احکام که اگر عاقل درو نیکو تدبیر نماید، خوب [۱۸] صانع عالم نزد عقل او صریح و ظاهر گردد، چنانچه او را در آن به هیچ نوع شک و ارتیاب نماند. دیگر روایت کرده‌اند که، نوبتی دیگر دلیل بر وجود صانع از آن حضرت سؤال کردند. فرمود: قوی‌ترین دلایل بر وجود صانع وجود من است. زیرا که وجود من پیدا شد بعد از آن که نبود. پس البته کسی باید که او را پیدا کرده باشد. زیرا که هر چیزی که پیدا شود بعد از آن که نبوده باشد، لابد باشد او را از پیدا کننده؛ و این حکم به ضرورت عقل ثابت است که درو به هیچ وجه ترددی نیست و محال است که من خود وجود خود را پیدا کرده باشم. «یا در وقت عدم»، [۱۹] ، اگر گویی در وقت «وجود پیدا کردهام» [۲۰] وجود خود را، پس من پیش از آن که موجود شوم موجود بوده باشم و حال آن که فرض کرده‌ایم که من موجود نیستم موجود باشد. و این در بدیهه‌ی عقل محال است. پس این دلالت کرد بر آن که صانع وجود من غیر وجود من است و آن صانع عالم است زیرا که همین حکم [که]در من جاری است در جمیع اجزاء عالم جاری است. و این هم

دلیلی است در غایت احکام؛ و آن حضرت این دلیل را هم از قرآن [صفحه ۲۰۱] می‌فرماید آن جا که فرموده «أم خلقوا من غیر شیء أم هم الخالقون» [۲۱] و امثال این بسیار است و اگر تفصیل کنیم این مختصر برنتابد. المعتصم بحول الله و قوته فی قتل کل خارجی مارق آن حضرت اعتصام جسته به حول خدا و قوت او در کشتن هر خارجی که از دین بیرون جسته. و این اشارت است بدان چه روایت کرده‌اند که نوبتی یکی از خوارج نزد مهدی عباسی، [۲۲] غیبت آن حضرت کرد و با مهدی گفت که جعفر بن محمد داعیه خروج دارد؛ کتابات به اهل کوفه نوشته و با او بیعت کرده‌اند. مهدی گفت: تو در مقابل او این سخن را درست می‌کنی؟ گفت: بلی درست می‌کنم، و سوگند بر آن می‌خورم. مهدی عباسی حضرت امام جعفر علیه‌السلام را حاضر گردانید و آن خارجی را در مقابل آورد و خارجی در حضور حضرت امام آن تهمت را تکرار کرد و در آن مبالغه و اصرار نمود. حضرت امام فرمود: سوگند می‌خوری که این سخن راست است؟ خارجی گفت: بلی! حضرت امام فرمود: بدان نوع که من سوگند می‌دهم تو را، سوگند یاد کن. پس فرمود: بگو از حول و قوت حضرت حق سبحانه و تعالی بیرون آمدم و به حول و قوت خود رفتم اگر این سخن که می‌گویم دروغ است؛ آن خارجی به همین عبارت سوگند یاد کرد. فی الحال بیفتاد و به دوزخ رسید و جان را به مالکان دوزخ سپرد و مهدی بفرمود تا پای مردار آن خارجی بکشیدند و بیرون بردند؛ و عذر خواهی حضرت امام کرد و او را روانه گردانید و چنین اثری غریب و کرامتی عجیب از آن حضرت ظاهر شد. المطلع علی أسرار الغیوب بتعلیم الله الخالق آن حضرت مطلع و آگاه است بر پوشیدهای غیبی به تعلیم خداوند آفریننده. [صفحه ۲۰۲] و این اشارت است به اطلاع آن حضرت بر اسرار غیبیه که ائمه هدی را بوده به الهام و تعلیم الهی؛ چنان چه روایت کرده‌اند که یکی از محبان امام جعفر علیه‌السلام گفت: من در بغداد بودم و منصور خلیفه عباسی یراق کرده بود که به حج برود. من به مکه آمدم و با حضرت امام حکایت کردم که منصور خلیفه، امسال داعیه‌ی حج دارد. آن حضرت فرمود: منصور کعبه را نمی‌بیند. چون موسم حج شد، منصور به عزم حج از بغداد بیرون آمد. «چون از بغداد روانه شد» [۲۳] من به خدمت حضرت امام رفتم و گفتم: منصور از بغداد بیرون آمد «ه این است.» [۲۴] فرمود: منصور کعبه را نمی‌بیند. چون به مدینه رسید رفتم و دیگر بار تکرار کردم. همان سخن فرمود. چون از مدینه بیرون آمد و متوجه مکه شد و نزدیك مکه رسید مرا شکی پیدا شد؛ چون به محل رسید که آن را چاه میمون می‌گویند و تا مکه یك دو فرسخ است شب در آن جا وفات کرد. صباح برخاستم و با خلایق به استقبال منصور رفتم و خاطر من ترددی بسیار در امام پیدا کرده بود. مردمان پی آمدند و خبر می‌دادند که منصور دیشب وفات کرد. من بازگشتم و آن خبر با حضرت امام بگفتم و درخواستم کردم که جهت من استغفار کند. چون آن حضرت بر دوستان خود عطوف و شفوق و مهربان بود، جهت من استغفار فرمود. العطوف علی کل محبوب مصادق [۲۵] . آن حضرت به غایت مهربان بوده به هر دوستی که مصادقت آن حضرت اختیار کرده. و این اشارت است بدان چه روایت کرده‌اند که آن حضرت شمل شیعه‌ی اهل‌بیت را جمع فرمود [و] جهت ایشان مجلس درس [۲۶] و علم پیدا کرد و قبل از آن حضرت هرگز جماعت موالیان اهل‌بیت چنان نبوده‌اند که در زمان آن حضرت ایشان را جمعیت بوده. أبی عبدالله جعفر بن محمد الصادق السید الزکی الصالح کنیت آن حضرت ابوعبدالله است و آن حضرت را اولاد بسیار بوده و بزرگترین [صفحه ۲۰۳] ایشان اسماعیل است که جماعت اسماعیلیه که خلفای مصر بوده‌اند خود را بدو نسبت کنند و آن جماعت برانند که امام بعد از جعفر، اسماعیل است شخصی بود او را عبدالله بن میمون قداح می‌گفته‌اند و او مردم را دعوت به امامت اسماعیل می‌کرده و حضرت امام جعفر علیه‌السلام از اسماعیل راضی نبوده و اسماعیل در حال حیات حضرت امام جعفر علیه‌السلام وفات کرده، در موضعی که از مواضع مدینه، که آن را عریض خوانند و نعش او را به مدینه آورده‌اند. و جماعت اسماعیلیه برانند که او پنهان شده و وفات نکرده و سخن در این ابو [اب]بسیار است. و از جمله اولاد آن حضرت موسی کاظم علیه‌السلام است که بعد از آن حضرت امام به حق بوده نزد امامیه؛ و لقب مبارك آن حضرت، جعفر صادق است از کمال صدقی که آن حضرت داشته و آن حضرت را سید و زکی و صالح هم از القاب است که ائمه را تمامی لقب و وصف بوده؛ زیرا که امام بزرگ امت است و پاکیزه است از عیوب و بنده‌ی

صالح حق تعالی است. صاحب السمع السمیع من الله البدیع، المقبور مع ابویه و عمه بالبقیع آن حضرت صاحب گوش شنونده است از خدای تعالی آفریننده و پیدا کننده‌ی مخلوقات. و این اشارت است به گوش شنوای آن حضرت در آن چه از پدران خود شنیده و یاد گرفته و نکات و دقایق تفسیر کلام الله و حقایق علوم و معارف که آن حضرت یاد گرفته و از پدران شنیده و به امت رسانیده؛ چنان چه هیچ یک از ائمه، آن مقدار نشر علوم سمعیه نکرده‌اند که آن حضرت فرمود. و این میراث از حضرت جد خود امیرالمؤمنین علیه‌السلام یافته؛ چنان چه روایت کرده‌اند که چون این آیه نازل شد «و تعیها اذن واعیة» حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود: من از خدا درخواست کردم که گوش تو را از آن گرداند که هر چه بشنوی یاد گیری. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود که، من هرگز بعد از آن هیچ فراموش نکردم. و وفات حضرت امام جعفر در مدینه بود و سن مبارک آن حضرت به قول اصح [صفحه ۲۰۴] شصت و پنج بود و ولادت آن حضرت در مدینه بود، در هفدهم ربیع‌الاول سنه ثلاث و ثمانین از هجرت؛ و وفات در نصف رجب؛ و بعضی گویند در نصف شوال سنه ثمان و اربعین و مائه از هجرت؛ و قبر مبارک آن حضرت در قبر عم بزرگوارش امیرالمؤمنین حسن؛ و جد و پدرش است و تمامی در یک قبر مدفونند در قبه‌ی بقیع، چنان چه به کرات مذکور شد. اللهم صل علی سیدنا محمد و آل سیدنا محمد سیما الامام السادس [۲۷] جعفر الصادق علیه‌السلام

پاورقی

[۱] از «غ».

[۲] از «غ».

[۳] در «غ»: الفوایق.

[۴] بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

[۵] در «غ»: بلیاتی.

[۶] از «م» افتاده.

[۷] بوی خوش مرکب از مشک و عنبر و جز آن به رنگ سیاه که موی را بدان خضاب کنند. (معین).

[۸] نک: کشف الغمه، ج ۲ ص ۱۵۹.

[۹] ظاهرا عبارت باید چنین باشد: ربیع گفت:. [

[۱۰] از «غ» افتاده.

[۱۱] از «غ».

[۱۲] از «غ» افتاده.

[۱۳] چنین است در هر دو نسخه. شاید: اتقان.

[۱۴] از «م».

[۱۵] از «م».

[۱۶] در اصل: آن کس که.

[۱۷] عنکبوت (۲۹) ۶۵.

[۱۸] در اصل: و خوب.

[۱۹] از «م».

[۲۰] از «م».

[۲۱] طور (۵۲) ۳۵.

[۲۲] در کشف الغمه، ج ۲ ص ۱۶۸ همین روایت آمده اما به جای مهدی، از منصور یاد شده و البته روایت کشف الغمه درست است.

[۲۳] از «م».

[۲۴] از «م».

[۲۵] در (غ»: محواب مصارف!!.

[۲۶] در اصل: مدرس!.

[۲۷] در هر دو نسخه: السابق.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۶۲۱-۰۰۰۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹